

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی

رساله دکتری رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه های سیاسی

شناخت مؤلفه‌های فرهنگی و تمدنی نظریه‌های مرتبط با هویت ملی در مسیر
جهانی شدن فرهنگی (ناظر بر تاریخ معاصر ایران)

استادان راهنما:

دکتر فرهاد زیویار

دکتر مهدی بنایی جهرمی

استادان مشاور :

دکتر سیده زهرا اجاق

دکتر مالک شجاعی جشوقانی

پژوهشگر:

محمدکاظم تفته

بهمن ماه ۱۳۹۹

تقدیر و تشکر

در طول دوران تحصیلی و تهیه این رساله از راهنمایی‌ها و مساعدت‌های اساتید و سروران عزیزی بهره برده‌ام که در اینجا لازم است از همه ایشان مراتب سپاس قلبی و تشکر خالصانه خود را داشته باشم. از زحمات بی‌دریغ، تلاش‌های بی‌وقفه و راهنمایی‌های ارزشمند اساتید راهنما، آقای دکتر فرهاد زیویار، آقای دکتر مهدی بنائی جهرمی و اساتید مشاور، خانم دکتر سیده زهرا اجاق و آقای دکتر مالک شجاعی جشوقانی و همچنین از داوران محترم، خانم دکتر ناهید مؤید حکمت، آقای دکتر سیدمهدی ساداتی نژاد و آقای دکتر محمدرحیم ربانی زاده و مدیر گروه محترم، آقای دکتر موسی نجفی صمیمانه تشکر می‌نمایم و برایشان توفیقات روزافزون در خدمات علمی و فرهنگی و آموزشی آرزومندم.

تقدیم

به پاس قلب های بزرگشان،
به پاس تعبیر عظیم و انسانی شان از کلمه ایثار و از خودگذشتی،

این مجموعه را تقدیم می کنم به ...

جانباختگان درمان و سلامت

چکیده:

این رساله بر آن است با طرح مشکل هویت ملی در فضای جهانی شدن فرهنگی با شناسایی یا بازتعریف برخی از مؤلفه‌ها و عناصر مستتر در بطن تاریخ هویت ایرانیان به ترسیم هویتی بپردازد که در عین حفظ عناصر ملموس و عینی هویت ملی (سرزمین، دین، زبان) با تکیه بر تجارب نوین بشری در حوزه رسانه و ارتباطات از یک سو و امکان دسترسی به داده‌ها و اطلاعات جهانی در حوزه هویت و نحوه نیل به یک چارچوب و مدل امکان پذیر از تعامل و همگرایی در فهم یکدیگر از سوی دیگر، باید به هویت و شناسه‌ای از تاریخ و تمدن و فرهنگ ایرانی - اسلامی دست یابیم که امکان گفتگو با دیگری را داشته باشیم. از این رو با بررسی تاریخی مساله هویت ملی (از مشروطه تا پایان پهلوی دوم) و همزمان شدن پدیده جهانی شدن به ویژه در حوزه فرهنگ و تسریع آن پس از انقلاب اسلامی در ایران، به شناسایی مؤلفه‌ها و عناصر هویت ملی پرداخته شده است. در پایان امکان محقق شدن ترسیم هویت جدید در فضای جهانی شدن در قالب مفهوم " هویت جهان پذیر " که مبتنی بر شاخص‌ها و معیارهای ده گانه برای کاربست اجتماعی آنها می‌باشد را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن فرهنگی، هویت ملی، هویت جهان پذیر

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مسئله	۲
۲-۱- اهمیت تحقیق	۳
۳-۱- پیشینه تحقیق	۴
۴-۱- سؤالات تحقیق	۷
۵-۱- اهداف تحقیق	۷
۶-۱- فرضیه های تحقیق	۷
۷-۱- تعریف مفاهیم	۷
۱-۷-۱- هویت	۷
۲-۷-۱- ملت	۸
۳-۷-۱- فرهنگ	۸
۴-۷-۱- هویت ملی	۹
۵-۷-۱- جهانی شدن	۹
۶-۷-۱- جهانی شدن فرهنگ	۱۰
۸-۱- نوآوری پژوهش	۱۰
۹-۱- روش تحقیق	۱۱
۱۰-۱- قلمرو پژوهش	۱۱
۱۱-۱- سازماندهی تحقیق	۱۱

فصل دوم: پایگاه نظری (چارچوب مفهومی)

۱-۲- مقدمه (رهیافت پژوهش)	۱۳
۱-۱-۲- ویژگیهای رهیافت هنجاری	۱۳
۲-۲- بیان مساله	۱۴
۳-۲- تبیین مفاهیم اصلی	۱۵
۱-۳-۲- هویت ملی در عصر جهانی شدن	۱۵
۲-۳-۲- تکثر معرفتی در جهانی شدن فرهنگی	۱۶
۳-۳-۲- خود انطباقی در فرهنگ ایرانی	۱۶
۴-۲- مروری بر نظریات هویت ملی در ایران	۱۶
۱-۴-۲- رویکرد جوهری (ذات گرایانه)	۱۷
۲-۴-۲- رویکرد برساخت اجتماعی	۱۷
۵-۲- نظریه پردازان هنجاری هویت ملی در ایران	۱۸
۱-۵-۲- فهم فرهنگ ایرانی در عصر جهانی شدن	۱۸

- ۲-۵-۲- ریزوم وارگی و هویت چهل تکه ۱۹
- ۲-۵-۳- مدل رودخانه ای هویت ملی ۲۰
- ۲-۶-۶- مروری بر نظریات جهانی شدن فرهنگی ۲۰
- ۲-۶-۱- نظریه پردازان جهانی شدن فرهنگی ۲۱
- ۲-۶-۲- آگاهی جهانی در عصر جهانی شدن ۲۱
- ۲-۶-۳- اقلیتها و خرده فرهنگ ها در فضای جهانی شدن ۲۲
- ۲-۶-۴- فراگیری ارزشهای جهانی ۲۳
- ۲-۷-۷- نقش دولتها و رسانه ها در عصر جهانی شدن ۲۳
- ۲-۷-۱- نقش رسانه ها در فضای جهانی شدن ۲۳
- ۲-۸-۸- ارائه مدل مفهومی ۲۴

فصل سوم: روش شناسی پژوهش

- ۳-۱-۱- مقدمه ۲۷
- ۳-۲-۲- روش شناسی ۲۷
- ۳-۲-۱- استراتژی پژوهش (منطق تحقیقاتی) ۲۷
- ۳-۲-۱-۱- استراتژی استفهامی ۲۷
- ۳-۲-۲- رهیافت پژوهش ۲۸
- ۳-۲-۲-۱- رهیافت هنجاری ۲۹
- ۳-۲-۳- رویکرد پژوهش ۳۰
- ۳-۲-۳-۱- رویکرد پست مدرن ۳۰
- ۳-۲-۳-۱-۱- نسبی گرایی، پرسپکتویسم و تعدد فرهنگی در پست مدرنیسم ۳۰
- ۳-۲-۳-۲- هستی شناسی پست مدرن و نظریات رقیب ۳۱
- ۳-۲-۴- روش شناسی پژوهش ۳۲
- ۳-۲-۴-۱- روش کیفی ۳۲
- ۳-۳-۳- روش تحقیق ۳۳
- ۳-۳-۱- مراحل تحقیق ۳۴
- ۳-۳-۱-۱- گردآوری داده ها ۳۴
- ۳-۳-۲- روش اجرایی پژوهش ۳۴
- ۳-۳-۱-۲- جامعه نمونه در روش اسنادی ۳۶
- ۳-۳-۱-۳- کدگذاری و تقلیل داده ها ۳۶
- ۳-۳-۱-۴- روایی (اعتبار) و پایایی (اعتماد) پژوهش ۳۷
- ۳-۴-۴- جمع بندی ۳۸

فصل چهارم: یافته های پژوهش

- ۴-۱-۱- بایسته ها و نظریات هویت ملی در ایران ۴۰

- ۴۰-۱-۱-۴- مفهوم شناسی هویت ملی و ابعاد و مولفه‌های آن
- ۴۱-۱-۱-۴- بعد اجتماعی هویت ملی
- ۴۲-۲-۱-۴- بعد تاریخی هویت ملی
- ۴۲-۳-۱-۴- بعد جغرافیایی هویت ملی
- ۴۳-۴-۱-۴- بعد سیاسی هویت ملی
- ۴۴-۵-۱-۴- بعد دینی هویت ملی
- ۴۵-۶-۱-۴- بعد فرهنگی هویت ملی
- ۴۶-۷-۱-۴- بعد زبانی هویت ملی
- ۴۶-۲-۱-۴- گرایشهای تئوریک در نظریه های هویت
- ۴۷-۱-۲-۴- نظریه ذات (جوهری)
- ۴۹-۲-۲-۴- نظریه هویت چهل تکه
- ۵۰-۳-۲-۴- نظریه هویت شهروند محور
- ۵۲-۴-۲-۴- نظریه رودخانه ای هویت ملی
- ۵۳-۳-۱-۴- هویت ، قدرت و مقاومت
- ۵۵-۱-۳-۴- ابهام در هویت ملی به عنوان علت العلل عقب ماندگی ایران
- ۵۵-۲-۳-۴- هویت ملی و نقاط تاریک حوزه تمدنی - تاریخی
- ۵۷-۳-۳-۴- ناسیونالیسم و معضلات هویت ملی ایرانی
- ۶۰-۲-۴- تحولات تاریخی هویت ملی در ایران
- ۶۰-۱-۲-۴- ویژگی های هویت جمعی در ایران معاصر
- ۶۲-۱-۱-۲-۴- جنبش مشروطه و تاسیس هویت جدید ایرانی
- ۶۳-۲-۱-۲-۴- ویژگی هویت ایرانی در پهلوی اول
- ۶۵-۱-۲-۴- ناسیونالیسم در پهلوی اول
- ۶۸-۲-۲-۴- قدرت سیاسی، مشروعیت و هویت ملی در دوره رضاشاه
- ۷۰-۳-۱-۲-۴- هویت ملی در دوره پهلوی دوم
- ۷۱-۱-۳-۴- تلفیق ایران باستان و مدرنیته غربی
- ۷۱-۲-۳-۴- مشروعیت باستانی
- ۷۲-۳-۳-۴- مدرنیزاسیون
- ۷۳-۴-۳-۴- نوسازی و چالشهای آن بامذهب
- ۷۵-۵-۳-۴- اقدامات هویتی
- ۷۶-۶-۳-۴- باستان گرایی ، مشروعیت سیاسی و هویت ملی
- ۷۷-۷-۳-۴- تلاش برای حذف مذهب در سیاستگذاری هویت ملی
- ۷۸-۸-۳-۴- بدیل های الگوی هویت ملی شاه
- ۸۲-۴-۱-۲-۴- هویت ملی پس از انقلاب اسلامی

- ۸۴.....۴-۲-۱-۴-۱- ناکامی ملی گرایان ایرانی.....
- ۸۵.....۴-۲-۱-۴-۲- تعابیر امت گرایانه.....
- ۸۵.....۴-۲-۱-۴-۳- پس زدن ارزش های ملی گرایانه رژیم پیشین.....
- ۸۵.....۴-۲-۱-۴-۴- سوء ظن به اندیشه وران ملی گرا.....
- ۸۶.....۴-۲-۲- نتیجه گیری.....
- ۸۶.....۴-۳- مؤلفه ها و عناصر هویت ملی در ایران.....
- ۸۶.....۴-۱-۳- مقدمه.....
- ۸۷.....۴-۲-۳- عناصر هویت ملی ایرانی از دید اندیشمندان معاصر.....
- ۹۱.....۴-۳-۳- مؤلفه های اصلی در تعریف هویت ایرانی.....
- ۹۱.....۴-۱-۳-۳- اسلام و هویت ایرانی.....
- ۹۶.....۴-۱-۳-۳-۱- دو دیدگاه در باب رابطه دین و هویت ایرانی.....
- ۹۸.....۴-۲-۳-۳- سرزمین ایران.....
- ۱۰۰.....۴-۳-۳-۳- زبان فارسی.....
- ۱۰۱.....۴-۳-۴- سه ضلع هویت ملی ایرانی.....
- ۱۰۱.....۴-۱-۴-۳- متجدد غرب گرا.....
- ۱۰۲.....۴-۲-۴-۳- ناسیونالیست باستان گرا.....
- ۱۰۴.....۴-۳-۴-۳- اسلام گرای شیعه.....
- ۱۰۷.....۴-۵-۳- عوامل شکل گیری هویت ملی در ایران.....
- ۱۰۷.....۴-۱-۵-۳- عضویت در اجتماع ملی و جامعه پذیری.....
- ۱۰۷.....۴-۲-۵-۳- تداوم تاریخی و حافظه مشترک.....
- ۱۰۸.....۴-۳-۵-۳- ورود اندیشه ناسیونالیسم از غرب.....
- ۱۰۸.....۴-۴-۵-۳- زمینه های طبیعی ، جغرافیایی و فضایی.....
- ۱۰۸.....۴-۵-۵-۳- نقش قدرت سیاسی.....
- ۱۱۰.....۴-۶-۵-۳- نقش روشنفکران و نخبگان.....
- ۱۱۱.....۴-۶-۳- نتیجه گیری.....
- ۱۱۲.....۴-۴- جهانی شدن، رسانه و هویت ملی.....
- ۱۱۲.....۴-۱-۴- جهانی شدن (چیستی، فرایند، مراحل).....
- ۱۱۳.....۴-۲-۴- جهانی شدن فرهنگی.....
- ۱۱۴.....۴-۳-۴- انواع نظریه های جهانی شدن.....
- ۱۱۵.....۴-۴-۴- جهانی شدن و هویت ملی.....
- ۱۱۶.....۴-۵-۴- نظریه جدید در باب هویت ملی و جهانی شدن.....
- ۱۱۶.....۴-۱-۵-۴- امپریالیسم فرهنگی و استعمار نو.....
- ۱۲۰.....۴-۲-۵-۴- خاص گرایی فرهنگی.....

۱۲۱ مدرنیته و جهانی شدن ۳-۵-۴-۴
۱۲۲ شرق شناسی و از خود بیگانگی ۴-۵-۴-۴
۱۲۸ جهانی شدن و معضلات هویت ملی ایرانی ۶-۴-۴
۱۲۹ جهانی شدن و هویت‌های جدید ۱-۶-۴-۴
۱۳۴ جهانی شدن و نیازهای نوین ۲-۶-۴-۴
۱۳۶ جهانی شدن و هویت دینی ۳-۶-۴-۴
۱۳۸ رسانه و جهانی شدن فرهنگی ۷-۴-۴
۱۴۴ رویکردها و نظریه‌ها در باب رسانه و جهانی شدن ۱-۷-۴-۴
۱۴۹ جهانی شدن ارتباطات و هویت ۲-۷-۴-۴
۱۵۰ جهانی شدن ارتباطات و قومیت ۱-۱-۷-۴-۴
۱۵۱ ظهور فراملی و فراملی قومیت‌ها ۲-۱-۷-۴-۴
۱۵۲ نتیجه گیری ۸-۴-۴

فصل پنجم: بحث، تفسیر و استنتاج - هویت جهان پذیر؛ طرح یک نظریه (عناصر و مؤلفه‌ها)

۱۵۶ ۱-۵ فرهنگ سیاسی در ایران
۱۵۸ ۲-۵ فرهنگ سیاسی در اسلام
۱۶۰ ۳-۵ دو سند در یک قاب (فرهنگ سیاسی در ایران و اسلام)
۱۶۳ ۴-۵ خود انطباقی، به مثابه روش فهم هویت جهانی
۱۶۶ ۵-۵ هویت جهان پذیر (ارائه مدل مفهومی)

کتابنامه

۱۷۴ منابع فارسی
۱۸۱ منابع انگلیسی

فهرست اشکال

شکل شماره ۱ : (فرهنگ سیاسی در ایران)..... ۱۷۱

شکل شماره ۲ : (مدل مفهومی - رنگین کمان معرفتی)..... ۱۷۲

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مسئله

"مساله هویت" حتی بدون در نظر گرفتن پارادایم های موجود و برون داد های آنها نسبت به چگونگی و چیستی هویت به مثابه "موصوف" برای فرهنگ، تاریخ، ملیت، قومیت و دین - به ویژه در دوران مدرن و به شکل خاص از مشروطه تاکنون در ایران - همواره امری متغیر و متکثر باقی مانده است. مساله ای که با نگرش و رویکردهای متفاوت، بسیار بدان پرداخته شده و هر بار به پاسخی فراخور زمانه و همسو با رهیافتهای غالب دست یافته اند. در این خصوص با توجه به سیر مطالعات انجام شده درباره چیستی هویت ملی در ایران به نمونه‌های زیادی در جهت تأیید این ادعا برخورد می‌کنیم. نکته آغازین پژوهش نسبت طرح مساله "ما" با جهان است به عبارت دیگر نسبت هویت ما در قالب ملیت با پیرامون تعریف شده براساس اقلیم و جغرافیاست.

از منظر دیگر می‌توان گفت که تاکنون خاستگاه تعریف، تفسیر و تبیین مفهوم ملیت و هویت منتسب به آن از مسیر سیاست و دقیق تر از بستر "ایدئولوژی" گذشته است در صورتی که مؤلفه‌های زنده و پویای هر هویتی در دل "تمدن"، "فرهنگ" و "تاریخ" آن نهفته است. لذا توجه به سابقه تاریخی و ملی مؤلفه‌های سیاسی هویت از جمله اعتقاد به ضرورت استقرار یک نظام سیاسی واحد بر کل جامعه، علاقه قلبی به یک ساختار سیاسی، دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی، نوع ساختار قدرت مناسب برای کشور، منبع قدرت نظام سیاسی، جایگاه و نقش حکام در جامعه و... امکان دستیابی به مدل هویتی را آسان میکند. هرچند بر اساس این نگرش هویت امری "شدنی" است لیکن مغفول ماندن برخی از عناصر هویتی در طول تاریخ از طرفی و جایگزین شدن امر سیاسی به جای امر فرهنگی ما را در برابر کنشهای پیرامونی تضعیف نموده است. مساله ناشی از این وضعیت، عدم انسجام و شکنندگی هویت در عصر جهانی خواهد بود.

مساله این است که هویت ایرانی در گذر تاریخ شکل گرفته و واجد عناصر ملی و مذهبی است. اما ایدئولوژیک بودن بستر تعریف هویت موجب شده تا برخی از اجزاء هویتی که ارتباط تمدنی با آنها دارند، از هویت ایرانی سلب شود و این موضوع میتواند موجب شکل گیری تعریفی از هویت ملی ایرانی در فرایند جهانی شدن شود که هم با سابقه تاریخی و تمدنی ایران ارتباط کمی دارد و هم بازنمایی و مفهوم سازی متفاوتی از ایرانیان برای دیگران ارائه میدهد که میتواند با تعریف ایده‌آل "شهروند ایرانی" متفاوت باشد.

از این رو، به نظر میرسد که در فضای جهانی شدن با احیای بخشهایی از مؤلفه‌های هویتی فراموش شده میتوان نقش ایران را در فرایند جهانی شدن فرهنگی اعتلا بخشید. این بخشها یا اجزاء فرهنگی در طول تاریخ کمتر به عنوان ارکان هویت ملی مورد توجه واقع شده اند ولی با توجه به ریشه‌دار بودن آنها در تاریخ و فرهنگ ایران، میتوانند در تکمیل فرایند هویت یابی ایرانیان در "فرهنگ جهانی" نقش موثری ایفا کنند.

به عنوان مثال میراث فرهنگی و تمدنی ما بدون توجه به سلايق و حتی گفتمانهای غالب در ادوار گذشته امری عینی، ملموس و قابل ارزیابی بوده است، لیکن به دلیل تشتت نگره های مستتر در تاریخ ما از گذشته تا کنون گاه به فراموشی و حتی در برخی موقعیت ها تکفیر و از مدار هویتی خارج شده و به عنوان اجزاء هویتی شهروندان سایر کشورها معرفی شده‌اند. برای نمونه میتوان به ادعای سرزمینی عراق در جنگ هشت ساله علیه ایران با تاکید بر شکاف میان اقلیت های قومی و مذهبی، خارج کردن اشیا قیمتی و باستانی (میراث تمدن ایرانی) و حتی میراث معنوی مثل صلح دوستی و منشور حقوق بشر کورش در تقابل با منشور حمورابی یا ادعای ترک تبار بودن مولانا و فارابی توسط ترکیه یا حتی کمانچه ایرانی به اقلیمی دیگر و بسیاری موارد دیگر از این دست اشاره نمود که دلیل اصلی آن بی توجهی یا کم توجهی به برخی از عناصر هویتی و تمدنی ایران بوده است.

نگارنده بر این باور است که می‌توان با تکیه بر عناصر کهن و آموزه‌های پسینی مندرج در تاریخ ایران (سنت ایرانی و اسلامی) و همچنین توجه به آموزه‌های دوران جدید از جمله اصل «اخلاق» به مثابه امر محیط بر همه چیز نظریه‌ای را ناظر بر هویت ملی طرح و بسط داد که امکان تاثیرگذاری بر پدیده جهانی شدن در حوزه فرهنگ را داشته باشد. مع الوصف لازم به ذکر است در این پایان نامه آنچه که ما به دنبال آن هستیم، بازتعریف مؤلفه‌های مشترک هویتی به مثابه "اخلاق محیط بر" می‌باشد و مصداق آن رجوع بر مفاهیم و معارف همسان تاریخی، فرهنگی و انسانی همه انسانها در بستر زمانی و مکانی واحد(جهان) و در مقامی ابتدایی تر نسبت به سنت، دین و ملیت است.

به عبارت دیگر در مسیر وحدت جهانی به دنبال شناسایی مؤلفه‌های حیاتی مشترک نوع بشر در فرهنگ ایرانی در مسیر وحدت جهانی هستیم که از همین منظر وجود عناصر پویا در بطن تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم امکان این همگرایی را افزایش می‌دهد و به مثابه یک فرصت جهت تقویت مؤلفه‌های بومی در مسیر جهانی شدن دیده می‌شود و شاید بتوان مدعی این امر شد که برای اولین بار در نظام معرفتی "انسان و خدا" هر دو در مرکز این هستی شناسی قرار می‌گیرند.

۱-۲- اهمیت تحقیق

الف - ضرورت و اهمیت بازشناسی، کشف و احیاء عناصر پایدار هویت ملی و تمدنی در ایران در جهت صورت بندی هویت ملی در فضای جهانی شدن

ب - ضرورت و اهمیت فهم شیوه زیست در جهان جدید (مدرن) با عنایت به تاثیرات جهانی شدن فرهنگی

ج - ضرورت و اهمیت شناسایی عوامل تعیین کننده در شکل گیری هویت ملی و تبیین راهکارهای مواجهه با جهانی شدن فرهنگی به مثابه یک فرصت

۱-۳ - پیشینه تحقیق

به طور کلی شاید بتوان آثار مکتوب منتشر شده در حوزه هویت ملی در ایران را به سه دسته اصلی تقسیم نمود:

الف - دسته اول آن گروه از منابعی هستند که به "چیستی" مساله هویت پرداخته‌اند هرچند توجه به مصادیق تاریخی از نظر ایشان مغفول نمانده است اما توجه و همت خود را بر فلسفه هویت نهاده‌اند و بیشتر به دنبال چیستی هویت و شاخص‌های تعیین آن بوده‌اند. از مهمترین آثار در این حوزه میتوان به هویت چهل تکه و تفکر سیار (شایگان، ۱۳۸۰)، آسیا در برابر غرب (شایگان، ۱۳۷۸)، پرسش فلسفی "ایرانی بودن چیست؟" (دیباچ، ۱۳۸۰)، همسازی و تعارض در هویت و قومیت (فکوهی، ۱۳۸۹) و زبان و هویت (گودرزی، ۱۳۸۳) اشاره کرد.

ب - دسته دوم کتبی هستند که بیشتر "رویکرد تاریخی" را برای توضیح و تفسیر مساله هویت انتخاب کرده‌اند و بر مصادیق تاکید بیشتری دارند و رسالت خود را در کشف و اشاعه نمونه‌های ملموس و عینی در تاریخ سیاسی و اجتماعی تعریف می‌کنند که از این رویکرد میتوان به نمونه‌های همچون غربزدگی (آل احمد، ۱۳۵۸)، مشکله هویت ایرانیان امروز (رجایی، ۱۳۸۲)، تطورات گفتمان‌های هویتی ایران و هویت ما (کچویان، ۱۳۸۶)، تبارشناسی هویت جدید ایرانی - عصر قاجاریه و پهلوی اول - (علی اکبری، ۱۳۸۵)، بنیادهای هویت ملی در ایران (احمدی، ۱۳۹۰)، تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان و ساحت معنوی هویت ملی ایرانیان (نجفی، ۱۳۹۰)، جهانی شدن، فرهنگ و هویت (گل محمدی، ۱۳۸۱)، ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران (بشمیری، ۱۳۸۳) و هویت ملی در ایران (میر محمدی، ۱۳۸۳) اشاره نمود.

ج - دسته سوم آن دسته از نوشته‌های را شامل می‌شود که هرچند هم بر فلسفه هویت و هم بر مصادیق اشاره دارند اما بیشتر به دنبال «چه باید کرد؟» و «ارائه راهکار به مثابه» مدل و الگو «بوده‌اند که مهمترین آنها عبارتند از بازگشت (شریعتی، ۱۳۷۵) و بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی (شریعتی، ۱۳۶۱).

علاوه بر آثار مورد اشاره مقالاتی نیز با محوریت جهانی شدن فرهنگ و هویت ملی نگاشته شده که مسائل و نتایج مختلفی هم به همراه داشته است. علی رشیدیپور در مقاله خود تحت عنوان "چالشهای فراروی فرهنگ و سیاستگذاری فرهنگی در جهانی شدن" با اتخاذ رویکردی تعاملی به مقوله جهانی شدن فرهنگ و با تاسی از آرای اریک فروم (روانکاوانه) و پذیرش آرا و نگره‌های مختلف در خصوص سبک زندگی بر محور

"فرهنگ واحد جهانی" با وام گرفتن از نظریات افرادی چون کوهن معتقد به عدم همسانی محض جهانی شدن با پدیده غربی شدن است و بر کوچک شدن زمان و مکان در عصر جهانی شدن اشاره میکند و با پرداختن به نسبت ایران با پروسه جهانی شدن در نتیجه با تجویز پذیرش این فرایند و استفاده از فرصتهای پیش رو و شناسایی ظرفیتهای هویتی و کاربرد آن در سیاستگذاری فرهنگی امکان دستیابی به اهداف را متصور می‌داند.

یدا... چوپانی در نوشتار خود تحت عنوان "پدیده جهانی شدن فرهنگ‌ها" ضمن بررسی اجمالی نظریه‌ها و رویکردهای موجود در حوزه فرهنگ جهانی از جمله نحله‌های لیبرالیستی، نومیاریستی و پست مدرن، امکان و فهم بهتر و بیشتر در پذیرش و تعامل فرهنگی را در رویکرد پست مدرن می‌یابد و ریشه آن را در ماهیت باز و متکثر و همچنین عدم تفوق فرهنگی این نظریه در مسیر اعتلا و ارتقا فرهنگ در مسیر فرهنگ جهانی می‌داند.

احمد میر احسان در نگارش خود تحت عنوان "صنعت فرهنگ و جهانی شدن"، به فرهنگ به مثابه صنعت در عصر تکنولوژی می‌پردازد و آن را منبعث از انباشت سرمایه لیبرالیستی می‌داند و معتقد است این نگاه از پیش محکوم نیست و امکان نقد واقع بینانه و در نتیجه دستاوردهای لازم برای انسان معاصر - در جهت اعتلا و ارتقا زندگی - را دارد. وی با بسط مقوله "صنعت گرایی" در بسیاری از وجوه زندگی روزمره از جمله سینما، اینترنت، مطبوعات و ... فرایند جهانی شدن فرهنگی را مورد مطالعه قرار میدهد و براین باور است که هرچند این پروسه خاستگاه مدرن دارد ولی با ورود نظریه‌های پست مدرن شاهد انقلاب رسانه و در نتیجه آن شکل‌گیری هویت سیال در حوزه فرهنگ بوده ایم.

مهديه يعقوبی پور نیز در یادداشتی تحت عنوان "تاثیر جهانی شدن فرهنگ بر هویت ملی" با رویکرد انتقادی مبتنی بر جامعه جهانی آنتونی گیدنز به پدیده جهانی شدن (جهانی سازی) به مهمترین عامل فرهنگی در این مسیر یعنی "رسانه" اشاره میکند و آن را عامل انقلاب بنیادی در جوامع سنتی برمی‌شمرد و با تاثیر این عامل بر هویت ملی سعی در بررسی جهانی شدن فرهنگ در بعد سیاسی (حاکمیت ملی) و بعد اجتماعی (قومیت) دارد. بنابراین با ارائه سه دیدگاه انتقادی در حوزه جهانی شدن یعنی "گسترش تجد غربی، گسترش فرهنگ سرمایه داری و جهانی شدن فرهنگ آمریکایی" به توصیف و تحلیل دیدگاه خود می‌پردازد و ضمن محکوم کردن این فرایند در تضعیف هویت ملی در قالب پروژه جهانی سازی مبتنی بر شاخص‌های غربی و به ویژه آمریکایی راهکار مقاومت در برابر آن را توصیه میکند.

محمد حسین پژوهنده در نوشتار خود با عنوان "جهانی شدن فرهنگ" ضمن تاکید بر برخورداری جهانی شدن از مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب به این نکته نیز اشاره دارد که غرب به دنبال القا ویژگیهای خود به عنوان یک فرایند انسانی و جهانشمول است. لذا با رویکردی انتقادی جهانی شدن را یک برنامه کلان سیاسی غربی مبتنی بر ایدئولوژی سلطه معرفی میکند اما معتقد است با پذیرش آن به عنوان

یک امر واقعی میتوان با تجویز به چالش کشیدن آن و استفاده از ابزار های موجود به ویژه " رسانه و ارتباطات " دست به انتخاب " توام با گزینش " جهت به کار انداختن استعداد های بالقوه فرهنگ خودی زد و آن را به مثابه یک رویکرد ارائه میدهد.

حسین کچوییان نیز در مقاله خود " جهانی شدن فرهنگ " با وام گرفتن از نظریه پردازانی چون گیدنز و هال و ... به دنبال " چیستی معضله فرهنگ " در برابر مفهوم جهانی شدن (در معانی مختلف آن) است. از این رو با مترادف گرفتن مفهوم جهانی شدن با پنج اصطلاح " آزاد سازی، بین المللی شدن، غربی شدن (غربی کردن)، متجدد شدن (متجدد کردن) و آمریکایی شدن (آمریکایی کردن) " جهانی شدن را نه تنها یک فرایند نمیداند بلکه پروژه غربی ذیل امپریالیسم فرهنگی تقسیم بندی و آن را " شکل خاص همگون سازی جهان " معرفی میکند.

مهرداد نورایی نیز با نگارش مطلبی با عنوان " ارتباطات رسانه ای، فرهنگ و هویت در فرایند جهانی شدن "، رابطه و تاثیر فرایند جهانی شدن و ارتباطات و رسانه را مورد کنکاش قرار میدهد و معتقد است مهمترین کارکرد رسانه، تسلط فن آوری به شکل کالای مصرفی در سرزمینهای ملی و در نتیجه ایجاد شکاف در بنیادها و ساختارهای اجتماعی و آشوب در میان نهادهای بنیادین جامعه خواهد بود. به عبارت دیگر فن آوری جدید الگوهای قدیمی را در معرض تهدید قرار میدهد و نقطه عطف آن را در تهدید علیه "تنوع زبانی و هویتی " و همچنین " نظم نوین فرهنگی " می داند که خروجی آن تاثیر رسانه ها بر نظام ارزشی در جامعه و ایجاد منابع جدید هویت ساز جهت بازتعریف هویت اجتماعی می باشد. در نهایت نویسنده معتقد است جهانی شدن باعث تضعیف و فرسایش و در نتیجه فروریزی مرزها خواهد شد و مردم به تدریج در یک جامعه جهانی واحد زیست خواهند کرد.

کریم خان محمدی نیز در مقاله خود تحت عنوان " عناصر فرهنگی پایداری ایرانیان " با توجه به مختصات فرهنگ ایرانی در طول تاریخ بر چند مؤلفه و شاخص از جمله " دین (زرتشت و اسلام)، شاه (حکیم حکم)، تنوع فرهنگی و جغرافیایی، تساهل فرهنگی و پیوستار فرهنگی " اشاره میکند و معتقد است ایده حکیم (حاکم) حکم مستتر در نظام پادشاهی و شاهنشاهی توانسه ایران را در برابر بحرانهای مختلف در ادوار گذشته از جمله هلنی، ترکی و عربی مصون نگه دارد و این ویژگی در مشروطه و حتی بعد از انقلاب اسلامی در بطن نظام ولایی در برابر مدرنیته غربی نمود پیدا کرده است. وی همچنین با پذیرش متغیر بودن امر فرهنگ از " روح ایرانی " به عنوان عنصر اصلی و پایدار هویت فرهنگی نام میبرد و معتقد است مفاهیمی چون اصالت، شرافت و نجابت همواره با ایران و ایرانی عجین بوده و با تکیه بر سنت و آیین و همچنین امید به آینده به بازسازی فرهنگی خود پرداخته است.

علاوه بر مقالات مورد اشاره در بالا میتوان به آثار دیگری همچون " بررسی تحلیلی پدیده جهانی شدن با تمرکز بر حوزه فرهنگ (علی فرهادی)، جهانی شدن فرهنگ و اثر آن بر هویت ملی ایران (اسماعیل

بایبوردی)، جهانی شدن فرهنگ (چنگیز پهلوان) جهانی شدن و نیاز به مهندسی فرهنگ (افشاری نادری) و.... "اشاره نمود

۴-۱- سؤالات تحقیق

سوال اصلی: با عنایت به مولفه‌های اصلی هویت ملی، شناسایی و باز تعریف عناصر مستتر در هویت ملی تا چه اندازه به توانایی هویتی ما جهت تاثیر بر پدیده جهانی شدن در حوزه فرهنگ می‌افزاید؟
سوال فرعی: امکان و نحوه شناخت مؤلفه‌های با ظرفیت تاریخی و تمدنی در هویت ملی جهت مواجهه با شیوه زیست جدید در دوره جهانی شدن فرهنگ چگونه خواهد بود؟

۵-۱- اهداف تحقیق

هدف اصلی:

احیا مؤلفه‌های مستتر در هویت ملی، تاریخی و تمدنی ایران در فضای جهانی شدن

هدف فرعی:

شناسایی و استفاده از ظرفیت‌های تاریخی و تمدنی ایران برای مواجه شدن با شیوه زیست در جهان جدید به ویژه جهانی شدن فرهنگی

۶-۱- فرضیه های تحقیق

فرضیه: با عنایت به کیفی بودن پژوهش و فقدان نظریه مشخص به عنوان مدل پرداختن به رساله امکان طرح فرضیه نیست لیکن میتوان مفروضی تحت عنوان " : شناسایی و احیا عناصر مستتر در هویت ملی، تاریخی و تمدنی جهت مشارکت و تاثیر بر تکمیل فرایند جهانی شدن فرهنگی " را مطرح نمود.

۷-۱- تعریف مفاهیم

۱-۷-۱- هویت

"هویت" به زبان ساده داشتن تصویر روشنی از خود یا پنداشتی آگاهانه از کیستی و چیستی خود است. به طور کلی هویت در این رساله واقعیتی فرض می شود که در یک فرآیند اجتماعی و در یک رابطه دیالکتیکی با جامعه ساخته می شود و بدین معنا یک برساخته ی اجتماعی است. هویت یک امر معناساز، چندگانه و تحت تاثیر روابط قدرت است. اما این نگاه مانع از قائل بودن به عناصر پایدار و ذاتی هویت ملی به مثابه زیربنا هویتی (اقلیم، زبان و سنت) نخواهد بود. لذا می بایست به نظریه های هویت توجه بیشتری نمود که از مهمترین آنها میتوان به نظریه جنکینز در خصوص هویت فردی و جمعی (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۳) یا نظریه هویت به مثابه امری مدرن و سوژه فلسفی (هال، ۱۹۹۷: ۲۷۵) و حتی بالعکس نظریاتی که هویت را موضوعی سنتی (ررتی، ۱۳۸۴: ۳۱۸) میدانند اشاره کرد. علاوه بر این نظریات در این رساله به آرای امانوئل

کاستلز(تجربه تاریخی هویت یا همان برساخت اجتماعی(کستلز، ۱۳۸۰)، پیتز برگر(هویت در حاشیه و بحران آگاهی(برگر، ۱۳۷۵)، دوناتلا دلاپورتا(هویت به مثابه آگاهی فردی و عمل اجتماعی(دلاپورتا، ۱۳۸۳) و آنتونی گیدنز(هویت به مثابه سبک زندگی شخصی(گیدنز، ۱۳۸۸) و... اشاره خواهیم کرد.

۱-۷-۲- ملت

از ریشه لاتین و به معنی زایش و تولد می‌آید. معنای ابتدایی این واژه به مفهوم گروهی انسانی بوده است که دارای یک منشا مشترک بوده یا چنین منشایی به آنها منسوب شده باشد. از این رو در معنی آغازین خود به واژگانی چون نژاد و مردم نزدیک بوده است(برتون، ۱۳۸۰: ۲۴۳). این واژه‌ها تا قرن ۱۷ میلادی در خود بار معنایی منفی و نزدیک به کافران و مردمان غیر مسیحی را حمل می‌کرد. اما در قرن ۱۹ ارنست رنان تعریف مفصلی از ملت ارائه داد:

"ملت یک روح است، یک اصل معنوی، دو چیز که در واقعیت یک چیز بیش نیستند، این روح و این اصل معنوی را می‌سازند. از یک سو میراثی غنی و مشترک از خاطرات و از سوی دیگر وفاق کنونی، تمایل به زندگی مشترک، به ارزشمند ساختن میراث دست ناخورده و بازمانده از پیشینیان. بنابراین ملت نوعی همبستگی عظیم است که خود ناشی از احساس فداکاری‌هایی است که در گذشته به انجام رسیده‌اند و فداکاری‌هایی که باز هم آمادگی انجامشان در آینده وجود دارد. بنابراین ملت وجود یک گذشته را ایجاد می‌کند. با این حال زمان حال است که مفهوم ملت تبلور می‌یابد. زیرا بیش از هر چیز در وفاق و تمایلی رخ می‌نماید که برای ادامه زندگی مشترک دیده می‌شود"(همان: ۲۴۳).

با توجه به تعاریف ارائه شده از ملت می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم ملیت صرفاً مفهوم سیاسی نیست بلکه موضوعی فرهنگی نیز است. چرا که با توجه به ملاک‌های فرهنگی به معنای عام آن در کنار ملاک‌های سیاسی چون مشروعیت و غیره تعریف می‌شود.

۱-۷-۳- فرهنگ

فرهنگ با اندک تمایزی، معادل Culture در زبان فرانسه است که این، از واژه لاتین cultura به مفهوم عمل آوردن و پرورش دادن و کاشتن گرفته شده است. فرهنگ در لغت به معانی: کتاب لغت، مجموعه آداب و رسوم و مجموعه علوم، معارف و هنرهای یک قوم به کار گرفته شده است. فرهنگ ارثیه ای اجتماعی است و زمینه و بستر و اساس رفتارهاست... راه و رسم و وسایل زندگی که در میان اعضای یک جامعه رایج است و افراد جامعه به نحوی، مستقیم یا غیر مستقیم، از طریق تعلیم و تربیت، آنها را، کم و بیش، از نسلی به نسل دیگر نقل می‌دهند و در این راه معمولاً تغییر و تحولی، گرچه ناچیز باشد در اجزاء و عناصر - و هم به درجاتی در کلیت فرهنگ - روی می‌دهد. ساختار عناصر مادی و معنوی مستتر در فرهنگ از

جمله هویت ملی از طریق ابزار رسانه و از آن مهمتر زبان و متعلقات آن اهمیت و جایگاه فرهنگ در جامعه را نشان خواهد داد.

۱-۷-۴- هویت ملی

هویت ملی فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی جدای از گرایش‌های ایدئولوژیک - می‌باشد. اهمیت مفهوم هویت ملی نسبت به سایر انواع هویت جمعی در تاثیر بسیار آن بر حوزه‌های متفاوت زندگی در هر نظام اجتماعی است. مثلاً هویت ملی در حوزه سیاسی، آرمان‌ها را تحقق می‌بخشد و یا به قدرت حاکم مشروعیت می‌دهد و بر میزان نفوذ آن می‌افزاید. صاحب‌نظران این رویکرد معتقدند ملیت جزئی فطری از آدمیان است. ملیت نیز مثل سخن گفتن، دیدن و... از ازل وجود داشته است. این رویکرد مدعی است که هویت ملی جزئی طبیعی از آدمیان است. شخص ملیت دارد درست همان گونه که بینی و دو گوش دارد. ملتی که شخص به آن تعلق دارد از پیش تعیین شده و بطور طبیعی معین می‌باشد. به بیان دیگر شخص در یک ملت متولد می‌شود، درست همانگونه که در خانواده‌ای متولد می‌شود (اسمیت، ۱۹۹۵: ۱۱).

هویت ملی فرآیند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های مهم از هویت تاریخی خود است (باوند؛ ۱۳۷۷). همچنین هویت ملی را می‌توان مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی‌ای دانست که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود. هویت ملی اصلی‌ترین سنتز و حلقه ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است. مفهومی متحول، تکامل یافته و پویا دارد. به این ترتیب هویت‌های فراملی پیوسته در تکمیل و باز تولید هویت ملی موثر هستند؛ هر چند امکان تنزل و انسداد سطح هویت ملی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. در تعریف نهایی می‌توان گفت که هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است. براساس این تعریف هویت ملی بعنوان مفهومی مرکب و چند رکنی در نظر گرفته شده است که در سطح ذهنیت و رفتار یکایک شهروندان قابل بررسی و جستجو است.

۱-۷-۵- جهانی شدن

مفهوم جهانی شدن به تدریج وارد محافل علمی شده است. این مفهوم تا اوایل دهه ۱۹۸۰ اعتبار علمی چندانی نداشت ولی از آن به بعد، کاربرد مفهوم کاملاً جهانی شده است. اغلب جنبه‌های جهانی شدن در واقع تعهد و انعکاسی است که هم شامل افزایش سطح برنامه ریزی تجاری برای بازاریابی در سطح جهان و هم اقداماتی می‌شود که از سوی جنبش طرفداران محیط زیست برای حفظ سیاره زمین به عمل می‌آید. مفهوم جهانی شدن از لحاظ ایدئولوژیک شبیه انگیز است. زیرا همانند مفهوم نوگرایی، توجیه

کننده این اندیشه است که گسترش فرهنگ غربی و جامعه سرمایه داری محصول نیروهایی است که از کنترل انسان خارجند و در جهت تغییر جهان عمل می‌آیند. این واقعیتی کتمان‌ناپذیر است که مرحله جهانی شدن با این تحولات همراه است. جهانی شدن نتیجه مستقیم گسترش فرهنگ اروپایی از طریق مهاجرت، استعمار و تقلید فرهنگی به سراسر کره زمین است. این پدیده هم‌چنین به طور ذاتی از طریق فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی با الگوی توسعه سرمایه داری همراه است. اما این گفته به این معنا نیست که سراسر سیاره زمین باید غربی یا سرمایه داری بشود، بلکه به این معناست که هر نظام اجتماعی باید وضعیت خود را نسبت به غرب سرمایه داری سامان دهد یا رابطه و نسبت خود را با آن بداند. جهانی شدن فرآیندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و بانوگرایی و توسعه سرمایه داری هم‌زمان بوده و از همان زمان تأثیرات آن روبه‌فزونی بوده است، اما اخیراً شتابی ناگهانی در آن پدیدار شده است. جهانی شدن یک فرآیند متأخر است که با سایر فرآیندهای اجتماعی نظیر فراصنعتی شدن و فرانوگرایی یا شالوده‌شکنی سرمایه داری همراه است.

۱-۷-۶- جهانی شدن فرهنگ

این بعد از جهانی شدن بر اقتصاد و سیاست تفوق دارد و عمده توجه آن بر روی مشکلاتی متمرکز دارد که فرهنگ جهانی با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی برای هویت ملی و محلی به وجود می‌آورد. جهانی شدن فرهنگی عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی این فرآیند موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می‌آورد و همه خاص‌های فرهنگی را به چالش می‌طلبد یک برداشت رایج و آشنا از جهانی شدن فرهنگ غربی همان امپریالیسم فرهنگی است از این دیدگاه، جهانی شدن عبارت است از اراده معطوف به همگون‌سازی فرهنگی جهان (گل محمدی، ۱۳۸۱). در این میان آنتونی گیدنر اعتقاد دارد که معنای جهانی شدن این نیست که جامعه جهانی در حال "یکپارچه شدن" است برعکس این پدیده در برخی ابعاد با تفرق و شقه‌شقه شدن روبروست تا اتحاد و یکپارچگی به عبارت دیگر، فرآیند جهانی شدن فرآیند همگن‌ساز نیست بلکه فرآیندی تفکیک‌ساز است و همه چیز را با هم به صورت یکدست توسعه نمی‌دهد و پیامدهایش به هیچ وجه خطرناک نیستند و از آنها هم‌گریزی نیست.

۱-۸- نوآوری پژوهش

الف - پژوهش در حوزه هویت‌پسینی با تاکید بر شناسایی عناصر هویتی مستتر در تاریخ و تمدن ایرانی و اسلامی (هویت پیش‌رو، فرصتها و تهدیدها)

ب - بازسنجی امکان تاریخی برای صورتبندی هویت ملی در مسیر جهانی شدن فرهنگی

۱-۹- روش تحقیق

استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و بررسی خروجی پژوهش که همان برآورد اثر اجتماعی در قالب امر اخلاقی است محور رساله خواهد بود. با عنایت به اتخاذ "نظریه هنجاری" به عنوان استراتژی پژوهش، برای خروجی رساله و امکان پیوستگی و انسجام داده ها می بایست رهیافت و چارچوب نظری مورد نظر باشد که هم قابلیت پرداخت و پردازش عنوان پژوهش را داشته باشد و هم از انعطاف لازم در مسیر تفسیر مؤلفه های اساسی رساله برخوردار باشد لذا نزدیکترین قالب و صورتبندی به نظریه هنجاری و فلسفه اخلاق و همچنین نگاه آینده محور آن (چیزی که باید باشد) می بایست مابین "بینش شهودی" و "فلسفه تحلیلی" باشد از این رو کارکردگرایی میتواند در بستر اصلی این تحقیق قرار گیرد.

روش جمع آوری و گردآوری داده ها کتابخانه ای و اسنادی است. یعنی استفاده از کتاب شناسی ها - استفاده از فهرست مقالات - استفاده از نمایه ها - استفاده از کتابخانه - استفاده از فهرست تحقیقات - استفاده از چکیده ها - استفاده از مجموعه مقالات - استفاده از روش مصاحبه - استفاده از آرشیوها - استفاده از سیستم های اطلاع رسانی رایانه ای

۱-۱۰- قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی: ایران

ب) قلمرو زمانی: ناظر بر تاریخ معاصر ایران

ج) قلمرو موضوعی: هویت ملی و جهانی شدن

۱-۱۱- سازماندهی تحقیق

فصل اول این رساله شامل کلیات پژوهش اعم از بیان مسئله، سوالات، فرضیه و ... است. فصل دوم چارچوب نظری است که به هویت ملی، ابعاد آن، جهانی شدن و نسبت مفاهیم یاد شده با یکدیگر میپردازد. فصل سوم به روش شناسی پژوهش در قالب روش اسنادی پرداخته میشود. فصل چهارم یافته های پژوهش در قالب تحولات تاریخی هویت ملی در ایران معاصر و شاخصها و مشخصات هویت ملی ایرانی و مؤلفه های موثر بر آن را بررسی میکنیم. در نهایت در فصل پنجم از مطالب یاد شده جمعبندی ارائه گردیده و نظریه این رساله مطرح میگردد.